

هنرهای زیبای ایران در دوره اسلام

مناظر دلربایی که هر روز با درخشیدن آفتاب در دفتر شاهکار طبیعت به جلوه می‌آیند بهترین شاهد اعجاز صنعتی پروردگار و توانائی اوست که اندیشهٔ زیبایی را در دل بشر بوجود آورده است.

این همه نقش عجب بر درو دیوار وجود

یک فروغ رخ ساقی است که در جام افتاد

هر کس بقدر استعداد و فراخور حال خویش ازین مناظر زیبا و خوان بی کراش بهره میگیرد ولی هنرمندان بزرگ که بیش از دیگران رموز زیبایی را درک میکنند خاطرات خود را از مرحلهٔ پندار بصورت آثار هنری بیان کرده و در دسترس عموم میگذارند.

این برگزیدگان طبیعت هر روز پیام نازمائی از زیبایی می‌آورند و فصلی نوین از رموز آفرینش میکشایند اگر ایشان بودند هرگز کسی از تماشای حرکت موجهای دریا در زیر نور مهتاب و نالهٔ عاشقانهٔ بلبل و ناز و دلفریبی گل لذت نمیبرد. هنرهای ملی ایران نه تنها تحت تأثیر آسمان لاجوردی و مناظر زیبا واقع گردیده بلکه میل و سلیقهٔ عمومی نیز در آن تأثیر بزرگ کرده است. هنرمندان ایرانی با قوهٔ تخیل عالم ظاهری وجود را تغییر داده و بیکر نازمائی



شکل ۱- کج بری دورهٔ ساسانیان که شکل گرا را برایش میدهد (موزه ایران باستان)

برای آن آفریده اند گویی لباس زربفت پر نقش و نگاری بر اندام دلدار خود پوشانده اند تا در میان عروسان زیبایی دنیا متمایز باشد.

در تعیین مقام هنرهای زیبای ملی ما در میان صنایع دنیا باید در نظر داشت که در هیچ کشوری تقلید طبیعت و نمایش زیبایی ظاهری با عبارت دیگر مراعات اصول صحیح علم جمال سبب کمال کار صنعتی نشده است.

هر کس از دنیای ظاهر فقط بهمانای تصاویر خیالی خویش و یا تذکر خاطرات شخصی اکتفا میکند و از شناسائی حقیقت دور میماند و بهمین جهت نوع توجه اشخاص و تصاویری که از یک منظره در دیده‌ها پیدا میشود با هم فرق دارند. بر کسوف فیلسوف معاصر فرانسه این موضوع را در کتابی بنام خنده بطرز خوبی بیان کرده و گفته است (ما از دنیای وجود تنها بخواندن نام و نشان اشیاء و اشخاص قانع هستیم).

در انتخاب موضوع زیبایی نیز که گاهی خود را غفلت دلباخته می‌یثیم از خود اختیاری نداشته و اگر درست تأمل کنیم در اینکار عشان فکر و ذوق عمومی کمیت آنرا افزوده یا نقصان



شکل ۲- شهاب سبینه زانوئود متعلق بزمان خسرو پرویز (موزه ایران باستان)

و زمان ساسانی و اوایل اسلام در کاخهای بزرگان مین ملاحظه میشود، این نقوش را بیشتر در میان تریح ها و چهار گوشها مینمودند.

در کاخ ساسانی دامغان سورت خداوندان و حیوانات مقدس مانند گوزنی که سر خود را در کنار جویباری خم کرده باقیمانده است ولی مجالس شکار صورت و حیوانات گراز و خرس در جنگل و میشه و اشکال هندسی تزئینی بیشتر متداول بوده است. (شکل ۱۰) یکی از آنها بشقابی است سیمین و زر اندود که بنازگی در بازار فردین در دست کردی دیده شده و امروز در موزه ایران باستان محفوظ است. تصویر جلوس خسرو پرویز بر روی تخت مشهور خویش (طاق قدیس) که دو شیر در زیر آن قرار گرفته اند نقش این بشقاب را تشکیل میدهد. طرز قرار گرفتن سلطان که دو زانوی خود را بهم نزدیک نموده و شمشیری در میان کمر آویخته است و یا چهره و لباس دو نفر خادم که در حال ادب در دو طرف پادشاه ایستاده اند یا شیرانی که دست خود را در هوا بلند کرده هیچکدام از روی طبیعت اقتباس نشده بلکه منظور اصلی سازنده زینت سازی بوده است (شکل ۲).



شکر ۳- کج بری کاخ سلجوقی در ری (موزه ایران باستان)

بخشیده است. همین اختلاف محیط و اجتماعات سبب شده است که سیمای محبوب به نسبت اختلافات محیط و اقوام در هر جا و نزد هر کس فرق کرده متمایز گردد. هنگامیکه هنرمندی زیبایی را از دریچه چشم تیزبین خود درک کرده میخواهد به بیان آن پردازد پای خود را بسته قید و زنجیر جامعه میباید و ناچار است افکار خود را بوسیله الفاظ موزون و با نقاشی و موسیقی و مجسمه سازی یعنی هنرهائی که الهیای آنها را در جامعه وقت آموخته بیان کند. هنرمندان بزرگ کشورها از خیلی پیش باین نکته برخورد کرده و میدانستند که در زیر این قیای زرکش طبیعت حقیقتی وجود دارد که سبب درخشندگی و حیات آن شده است. ازینرو از اواخر دوره ساسانی رفته رفته از تقلید طبیعت خودداری نموده و بجای آن در سدد بیان حالت روحانی و حقیقت واقعی زندگی برآمدند.

نقوش برجسته طاق بستان که بزرگترین اثر صنعتی زمان خسرو پرویز محسوب میشود بهترین شاهد این مدعا است تصاویری که در روی دیوارهای آن دیده میشود صورت شکار گاه معین و معلومی را نشان نداده بلکه موضوع آن در دوره ساسانی بسیار متداول بوده و در دوره دیوار کاخ سلجوقی و با درروی ظروف گرانهای درباری زیاد دیده شده است. در اینجا تناسب طبیعی اشخاص مورد توجه سازنده نیست بلکه نکات فرعی یعنی طرز آرایش زلف و نوع جواهرات و نقوش روی پارچه لباس یا نهایت دقت نموده شده است.

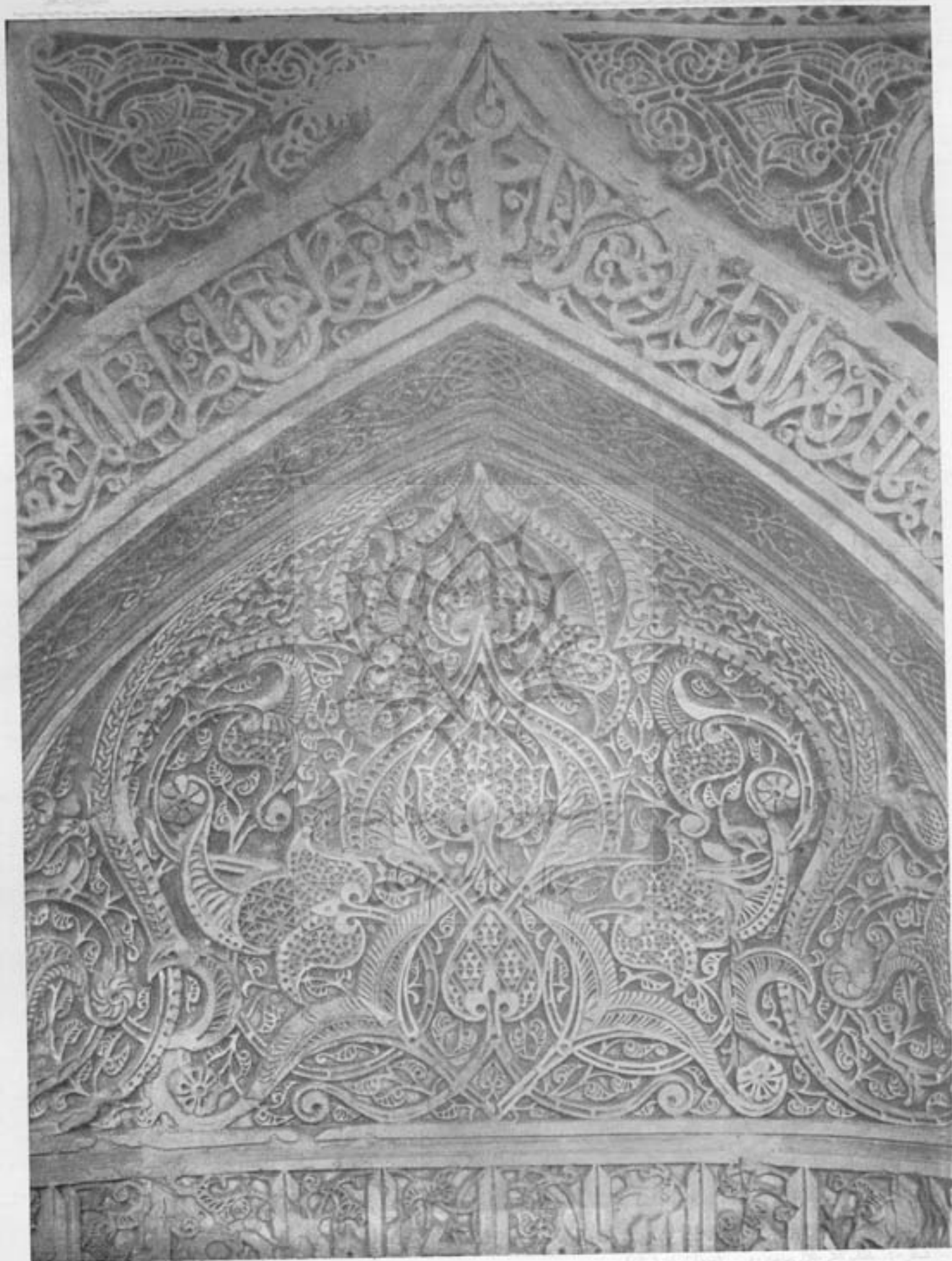
برای درک فکر سازنده طاق بستان نباید هر وجودی را جدا گانه مشاهده کرده جزئیات آنرا دید بلکه باید هر مجلسی را نمایندگی فکر و حالتی خاص دانست که مانند آهنگ خوش موسیقی از ترکیب نت های مختلف بصورت نمه دلنشینی در آمده است. همین فکر زینت در روی کج بری های دوره هلنیستیک

پس از ظهور اسلام تمدن ساسانی از هیبت ترفوت و در طرز تکامل هنرهای زیبای ایرانی نیز تغییراتی رون داد صنعتگران ایرانی از دیون کشور به پایشخت های خلافت رفته بزرگترین کارهای صنعتی خود را در بین اتهرین بوجود آوردند و از طرف دیگر خریدار پارچه های گرانهای زینت شوشتر (شوش) و محصول کتلی سازی ری و اسخر و یسارپور در بغداد و سامره زیاد گردید.

مذهب اسلام نیز باعث ارتباط و همکاری هنرمندان ایرانی با استادان ملل دیگر گردید. این هنرمندان از طرف روم شرقی و سوریه و با از خاور دور و ترکستان بمرکز دیار خلافت رو کرده در آنجا کار میکردند و برهنمائی ایشان در تیل بمقصود اصلی صنعتگران ایرانی بیشتر از آن حاصل گردید.



شکل ۶- طرف رنگارنگ سفالی سبک کار ترکستان متعلق بقرن سوم هجری



(موزه ایران باستان)

شکل • - پستی از مبراب اشترجان (اصفهان) که در تاریخ ۷۰۸ هجرت مسعود کرمانی ساخته شده است



شکل ۱۲ - قابچه سجادہ پانت تبریز (موزۀ ایران باستان)

نقوش دیگری هم در همین مدرسه بدست آمده که با آیات قرآنی و کلهای ساده زینت شده و نوشته ای که بخط خوب کوفی دورا دور نقش و در میان گل و بوته دیده میشود فوق العاده بر حسن و زیبایی آن افزوده است.

رنگه را هنرمندان ابراسی در بعضی موارد از مکان خویش جدا کرده و شخصیت داده اند. این امر در تاریخ هنر های زیبای دنیا تا ز کمی دارد. با آنکه شعرای رنگه و طبیعت در ایتالیا

زیاد بوده اند و نام رافائیل و لئونارد دو بیچی شهرت آفاق گرفته است ولی رنگه در نقاشی ایرانی مانند شکر زاده فکر صنعتگر است و بهمین جهت همین روح بشاشی است که لاجوردی و سبز و زردین نماینده آنند.

در روی تصویر یک کتاب و یا نقش طرف کاشی طرز رنگ آمیزی آنها بیشتر از همه چیز در نظر بیننده جلوه میکند و منظور اصلی سازنده هم جز این نبوده که الحان خوش موسیقی درون خود را بدینوسیله بنمایش گذارد. مطالعه صفحه ای از کتاب بوستان کتابخانه خدیوی مصر که از شاهکار های صنعت نقاشی استاد بهزد است این منظور را بخوبی روشن میسازد ولی نباید تصور نمود که پیش از دربار تیموری و زمان اعتبار کار میرک و بهزد و همکارانش نقاشی مینیاتور ایران در حال رکود بوده و با آنها با تسلط مقول نقاشی و تذهیب در ایران شروع میشود بلکه استادان بزرگ ایرانی در



شکل ۷ - کاسه لعابدلر یا نقش نیلرنگه (موزۀ ایران باستان)
در اینجا بررسی کمال آثار اسلامی ایران مورد نظر نیست و فقط بذکر چند نکته اکتفا میکردم.

در صنایع اسلامی نقش و رنگ پیش از سایر ارکان زندگی مورد توجه هنر متدیان واقع شده و تنها همین دو عنصر بود که استادان بزرگ گذشته ما را در انشاء شاهکار ها مساعدت کلی نمود.

هنرمندان اسلامی از ترکیب اشکال بیجان هندسی لطایف زندگی را بخوبی بیان کرده اند. این اشکال با آنکه در بدو نظر خیلی ساده بوده و هر یک به تنهایی ارزش صنعتی زیادی ندارد در حال ترکیب نقش مفصل یک نواختی را تشکیل میدهند که چشم بیننده را بسمت ماوراء طبیعت سوق میدهد. از چند صورت هندسی شکسته و خطوط بیجان ترکیب موزونی بوجود آورده اند که مانند بهترین آهنگ موسیقی در فکر بیننده تأثیر میکند.

نمونه نقش تزئینی روی کجی در ضمن خاک برداری کارکنان موزۀ ایران باستان در ری بدست آمده و آن متعلق به مدرسه ایست که در اواخر قرن چهارم و عهد سلجوقیان ساخته شده است. نقش قسمت محراب آن عبارت از صورت دو قرقاول در میان گل و بوته های زیبا است و در زیر آنها گلبرگهای تزئینی در میان اشکال هندسی جا گرفته اند. در اینجا دم بهم بیجیده مرغان و حرکت سرشان بطرف زمین با مهارت کامل نموده شده است شکل ۴.



شکل ۸ - کاسه نپروزه رنگه متعلق برن ششم معری (موزۀ ایران باستان)

در نمایش موضوعات خوش کمال دقت را نموده اند چنانچه در روی ظروف مشهور به مینائی دیده میشود. (شکل ۹)

سنت نقاشی برای تزئین پارچه و قالی هم بکار رفته و بسا اوقات نقاشان با پارچه بافان همکاری نموده اند. نقش قالی و زریهای گرانهای زمان صفویه بیشتر در کار گاههای نقاش مشهور زمان سلطان محمد و شاکردانش تهیه میشده و همین جهت محمول این صنعت در دنیا خریدار زیاد داشته است. در نمایش زینت قالی سزنده آن رنگ را با نقش توام نموده و بکمک هر دوی آنها فکر تزئینی خود را نمودار ساخته است. بدون پیوستگی کامل این دو عنصر نقش هر قالی را نمیتوان مورد توجه قرار داد. نمونه ای که در شکل ۱۱ نشان داده میشود از خوش نقش ترین قالی زمان شاه طهماسب و بافت تبریز است ولی برای درک مزایای صنعتی و اهمیت آن باید بموزه ایران باستان آمده بچشم باریک بین شخصاً دید و قضاوت نمود.

دکتر مهدی بهرامی



شکل ۹ - کاسه مینائی ساعت وی دوفرن ششم هجری (موزه ایران باستان)

قرون دوم و سوم هجری در نیشابور و سمره به نقش تصاویر زیبا در روی دیوار کتخای سلطنتی پرداخته اند و آثار آنرا آترمان در ضمن کوشهای علمی کم و بیش بدست آمده است. مهارت کامل و زیردستی این استادان در رنگ آمیزی نقوش ظریف ها بهیچوجه کمتر از نقاشی کتاب نیست، ظروف سفالی ساخت نیشابور و بالوان مختلف مزین بوده و بهترین شاهد این مدعا است (شکل ۷).

در روی هم رنگ آمیزی ظروف اهمیت زیاد داشته و در قرون پنجم و ششم

هجری ظروف آبی رنگ و با فیروزه ای زیاد ساخته اند و همین سادگی و اسالت رنگ سبب زیبایی آن گردیده است.

استادان فن کاشی سازی سلع درون ظروف را مانند صفحه کتابی تزئین و زرینگار نموده و با وجود اشکالات ناشی از طرز کار



شکل ۱۰ - بشقاب کاشی ملانی ساخت ری (موزه ایران باستان)



شکل ۱۱ - قالیچه ایرانشی که در قرن دهم هجری در تبریز بافته شده است